



عقب‌نشینی ترامپ از اقدام نظامی به دلیل توان آفندی ایران و ترس از شکست مفتضحانه‌ای دیگر است نه چیز دیگر

بفرمایید طپس

رئیس‌جمهور آمریکا در دستیابی به اهداف اعلامی است. البته او تنها رئیس‌جمهور آمریکا نیست که در دستیابی به اهدافش در ایران ناکام بوده است. پیش از او و در دوران اوج اقتدار آمریکا، جرج بوش پسر با غرور وارد منطقه شد و افغانستان و عراق را اشغال کرد اما دو دهه بعد، روسای بعدی آمریکا ناچار شدند دست از با درازتر از دو کشور خارج شوند. پیش از آنها نیز به دستور جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا، عملیاتی موسوم به «پنجه عقاب» طرح ریزی شد و آمریکایی‌ها با استفاده از نیروهای دلنا وارد خاک ایران شدند اما نه تنها موفق به آزادسازی گروگان‌هایشان نشدند که در صحرای طپس به شکل مفتضحانه‌ای زمین‌گیر شدند.

موفقیت‌آمیز عمل کرد. این‌ها فقط بخشی از آرزوهای مطرح شده ترامپ بود که فقط پشت تریبون کاخ سفید یا در استودیوی فاکس نیوز به واقعیت پیوسته است. ترامپ اخیراً با مطرح کردن یک ادعای واهی درباره وضعیت اعدام در ایران، از رهبری ایران تشکر کرد. تهران اما با درنظر گرفتن سابقه عملیات روانی ترامپ و آگاهی از مواضع و تحرکات فریبده او، در پاسخ او را عامل اتفاقات چند روز اخیر معرفی کرد و همین باعث شد رئیس‌جمهور آمریکا مجدداً تغییر موضع دهد و مستقیماً رهبری ایران را تهدید کند.
باین حال مرور آرزوهای ترامپ و سرنوشتشان چه درخصوص ایران و چه در سطح جهان نشان می‌دهد که او تقریباً ناکام‌ترین



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکاهمان چوپانی است که هر موقع حوصله‌اش سر می‌رود، داد و هوار می‌کشد که «تعرفه! هسته‌های! اوکراین! غزه! کانادا! ونزوئلا! گرینلند! پاناما! مکزیک!...» بعد هم مردم را مجبور می‌کند بروند و ببینند پشت هر کدام از این تپه‌ها چه خبر است. او نه در جنگ تعرفه‌ای پیروز شد، نه هسته‌ای ایران را نابود کرد و پروژه «رژیم چنج» را به سرانجام رساند، نه جنگ اوکراین را یک‌روزه و نه جنگ غزه را خاتمه داد و نه در تصاحب گرینلند، پاناما، کانادا، مکزیک و ونزوئلا



مهم‌ترین آمال جهانی

بازگشت ترامپ به کاخ سفید همراه بود با وعده‌هایی همچون خاتمه ۲۴ ساعته جنگ اوکراین، حل وفصل ماجرای غزه، اعمال تعرفه و... وضعیت میدانی اما حاکی از شکست دولت ترامپ در تمامی این حوزه‌هاست. پرتکرارترین موضع ترامپ در این بین، حول موضوع تعرفه‌ها و مسئله اوکراین بود.

تعرفه

ترامپ می‌گوید «تعرفه» زیباترین کلمه در جهان است؛ اما این کلمه زیبا نتوانست به ترامپ وفادار باشد. سیزدهم فروردین سال جاری بود که آمریکا با اعلام بزرگ‌ترین جنگ تجاری علیه همه شرکای تجاری و حتی متحدان سیاسی و امنیتی خود، از آن به‌عنوان «روز آزادی» یاد کرد.

ترامپ در این باره گفت اکنون زمان آن فرا رسیده که آمریکا مقداری از «پول» و «احترام» را پس بگیرد. یکی از عظیم‌ترین تعرفه‌ها در جنگ تجاری کاخ سفید، علیه چینی‌ها بود. ترامپ ابتدا از ۲۵ درصد شروع کرد و سپس تعرفه بر کالاهای چینی را تا ۱۴۵ درصد بالا کشید. پکن نیز در مقابل اعلام کرد بر واردات کالا از ایالات

اهداف شکست‌خورده در ایران

بخشی از رویاردازی‌های ترامپ در حوزه سیاست خارجی معطوف به ایران است. او در این زمینه سه کارویژه دنبال کرد؛ پایان هسته‌ای، رژیم چنج و قطع دسترسی‌های منطقه‌ای. روندها در این حوزه نیز حاکی از ناکامی است.

پایان هسته‌ای

مذاکرات فریبی که از ۲۶ فروردین آغاز شد و با جنگ دوازده روزه به پایان رسید، در اصل به‌منظور قطع دسترسی‌های ایران به هرگونه فناوری هسته‌ای بود. ابتدا مذاکره‌کنندگان بر کاهش درصد غنی‌سازی تأکید داشتند؛ اما در ادامه این خواسته به توقف کامل غنی‌سازی و حتی محدودیت برد موشکی به ۵۰۰ کیلومتر رسید. پس از حمله مستقیم ایالات متحده به سه مرکز هسته‌ای صلح‌آمیز ایران در فردو، نظنز و اصفهان، ترامپ بارها بر نابودی هسته‌ای تأکید کرد. به‌گونه‌ای که در هر محفل و نشست خبری ادعاهایش را تکرار می‌کرد. ترامپ اواخر آبان ماه سال جاری نیز در مجمع سرمایه‌گذاری ایالات متحده و عربستان سعودی در «کندی سنتر» ادعا کرد: «ایران خواهان توافق

هشدار اندیشکده آمریکایی درباره شکست‌های پیاپی ترامپ

اندیشکده آمریکایی «مؤسسه کشورداری مسئولانه کونینسی» در مقاله‌ای بررسی کرده که نخستین سال دولتی که با وعده «واقع‌گرایی» و «سیاست» (اول آمریکا» روی کار آمده، کارنامه‌ای عمیقاً متناقض ثبت کرده است. به‌نوشته این مقاله، سیاست خارجی ایالات متحده در سال ۲۰۲۵ در کشاکش میان برخی پیشرفت‌های محدود در مسیر کشورداری و تداوم ناکامی‌هایی قرار داشته که ریشه در «عادت‌های مداخله‌جویانه» و «اشگفتن دارد؛ عادت‌هایی که ترامپ وعده داده بود آن‌ها را کنار بگذارد.



واقعیات منطقه غرب آسیا، متفاوت از اخبار رسانه‌های غربی است. در روزهای گذشته کشورهای منطقه صراحتاً ماجراجویان را از ماجراجویی برحذر داشته‌اند. علاوه بر مقامات، افکار عمومی این کشورها نیز به اقدامات تروریستی در ایران واکنش نشان دادند و ثابت کردند که برخلاف خواست رسانه‌های خارجی واقعیت اتفاقات ایران را درک کردند. به بهانه سفر فوآد حسین به تهران، نگاهی نیز به تعاملات و رفتارهای کشورهای منطقه و به‌خصوص عراق انداختیم. در گفت‌وگو با علیرضا دشتی، کارشناس مسائل عراق به بررسی این تحولات پرداختیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

کشورهای منطقه در روزهای اخیر نگرانی‌هایی پیرامون پیام‌های تهدیدآمیز

است و ماقابلیت‌های هسته‌ای آن‌ها را به سرعت و با قدرت نابود کردیم». ادعایی که به سرعت از سوی ایران رد شد. ترامپ به همین ترتیب هم به‌طور مکرر مدعی نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران می‌شد و هم مدعی درخواست ایران برای مذاکره بود. سوال اینجاست که اگر ترامپ فکر می‌کند هسته‌ای ایران نابود شده پس در خواست‌های او برای «مذاکره هسته‌ای» چه معنایی دارد؟ رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که کوشید با گزارش‌های دروغینش، زمینه‌ساز حمله به ایران شود، چند روز پس از حمله آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، ادعاهای ترامپ را رد کرد و مدعی شد ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده توسط ایران سالم مانده و با اخراج بازرسان آژانس از ایران و قطع دسترسی به سایت‌های هسته‌ای، بارها خواستار بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران شده است.

رژیم چنج

بعد از حمله رژیم صهیونی به ایران در خرداد سال جاری، مقامات رژیم

صراحتاً اعلام کردند که این جنگ برای آن‌ها «جنگ موجودیتی» است. ترامپ هم به‌عنوان لیدر اصلی حملات و خرابکاری‌ها علیه ایران، یک روز بعد از حمله رژیم صهیونی، صراحتاً طی پیامی از پروژه «تغییر نظام سیاسی» در ایران پرده برداشت و تلاش کرد این امر را محقق کند، اما تون آفندی و پدافندی ایران و مهم‌تر از همه، «انسجام ملی» اجازه پیاده‌سازی چنین عملیاتی به او نداد. آمریکایی‌ها همچنین در اعتراضات معیشتی اخیر روز جمعه ۲۶ دی ۱۴۰۴ گفت که هر گونه توافق با ایران بایستی مشتمل بر ۴ موضوع باشد: ۱- غنی‌سازی هسته‌ای، ۲- موشکی، ۳- ذخایر موجود اورانیوم که شامل ۲۰۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با غنای بین ۳/۶۷ تا ۶۰ درصد می‌شود و ۴- «گروه‌های نیابتی» [گروه‌های مقاومت متحد ایران] بر این اساس به نظر می‌رسد ارزیابی دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکایی این است که علی‌رغم همه تلاش‌ها برای قطع دسترسی ایران به متحدان منطقه‌ای، این ارتباط هنوز قطع نشده است.

قطع ارتباط ایران با منطقه

قطع شریان ارتباطی ایران با متحدان منطقه‌ای سومین مقصد از نقشه

ترامپ برای ایران بود. ترور فرماندهان حماس و حزب‌الله و فشار به حزب‌الله برای خلع سلاح، حمله به یمن و اخباری که حکایت از مداخلات آمریکا در امور داخلی عراق دارد، از جمله مواردی بودند که ایالات متحده درخصوص محدودسازی روابط خارجی ایران در سطح منطقه ترتیب داد. با این حال مقامات آمریکایی معتقدند این حلقه ارتباطی همچنان به قوت خود پایرجاست. استیو ویکف، روز جمعه ۲۶ دی ۱۴۰۴ گفت که هر گونه توافق با ایران بایستی مشتمل بر ۴ موضوع باشد: ۱- غنی‌سازی هسته‌ای، ۲- موشکی، ۳- ذخایر موجود اورانیوم که شامل ۲۰۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با غنای بین ۳/۶۷ تا ۶۰ درصد می‌شود و ۴- «گروه‌های نیابتی» [گروه‌های مقاومت متحد ایران] بر این اساس به نظر می‌رسد ارزیابی دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکایی این است که علی‌رغم همه تلاش‌ها برای قطع دسترسی ایران به متحدان منطقه‌ای، این ارتباط هنوز قطع نشده است.

منطقه می‌انجامد. اندیشکده کونینسی «تداوم حضور نظامی آمریکا در سوریه» را یک شکست مزمن دیگر می‌داند. نویسنده اشاره کرده است که کشته‌شدن نیروهای آمریکایی در سوریه نتیجه «ناانزانی دولت ترامپ» در پایان‌دادن به پروژه‌ای است که بعد از حلف داعش، دیگر توجیهی ندارد. در روزهای اخیر درگیری و تنش میان نیروهای جولانی و کردهای قسد به شکل فزاینده‌ای تشدید شده و نویسنده نسبت به حضور بی‌دلیل و هزینه‌زای نیروهای آمریکایی در این منطقه هشدار می‌دهد.

شکست‌های دولت ترامپ می‌داند. حمله به ایران به یک بحران بزرگ تعبیر شده و نویسنده هشدار می‌دهد که از سرگیری فشارها از سوی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای جنگی دیگر با ایران – این بار با محوریت برنامه موشکی – ترامپ را وارد آزمون سرنوشت‌سازی کرده است. دومین ناکامی بزرگ ترامپ تشدید تنش‌ها با ونزوئلا معرفی شده است. جایی که احتمالاً هدف اصلی تغییر حکومت در کاراکاس است و به اعتقاد نویسنده، این به بی‌ثباتی گسترده و «تکرار تجربه‌هایی فاجعه‌بار» در این

این مقاله تأکید می‌کند که در آمریکای لاتین و غرب آسیا، سیاست آمریکا همچنان گرفتار «مداخله‌جویی‌های نسنجیده» و «عدم انسجام راهبردی» باقی مانده است. نویسنده معتقد است همین تناقض، ویژگی اصلی سیاست خارجی دولت ترامپ را شکل می‌دهد: «دولتی که در گفتار از خویشتن‌داری سخن می‌گوید، اما در عمل بارها به اقدامات تهاجمی و بی‌ثبات‌کننده‌باز می‌گردد.»

این مقاله، ایران، سوریه و ونزوئلا را سه صحنه بزرگ از رقم‌خوردن

علیرضا دشتی، کارشناس مسائل عراق در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

به هم خوردن امنیت ایران، امنیت منطقه را تهدید می‌کند

است، لذا این اتفاق باید می‌افتاد.

در چند روز گذشته واکنش مردم عراق را نسبت به فتنه آمریکایی در ایران داشتیم. این واکنش را چطور تحلیل می‌کنید؟
فضای مردمی و اجتماعی مردم عراق در این ایام، همراهی و نظاهرات برگزار کردند. این موضوع بسیار مهم است که عراقی‌ها تپایش از جنگ، منتقد جمهوری اسلامی ایران بودند در مواردی، الان در شهرهای مختلف، در حمایت از مردم ایران و محکوم کردن اقدامات ترامپ، راهپیمایی برگزار کردند، موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد و جای صحبت دارد. در چند روز گذشته بیانیه‌ای از جانب ۱۰۰ تن از علمای جهان اسلام در نقد صحبت‌های ترامپ، بسیاری از اعضا از علمای عراق بودند. این موضوع نیز قابل اشاره است که علمای عراق با علمای ایران قرابت و نزدیکی پیدا کردند، در حالی‌که پیش از این زاویه‌ای با یکدیگر داشتند و به مرور نگاشمان نسبت به جمهوری اسلامی در حال تغییر است.

ابعاد دیگر این است که پای آمریکا در منطقه پر رنگ‌تر باز خواهد شد و حمایت‌هایی که از این کشورها در موضوعات مختلف داشته، از بین می‌رود. این مسائل موجب شده هیچ کدام از کشورها مایل نباشند، جنگ و درگیری اتفاق بیفتد.

علاوه بر اینکه خاورمیانه منطقه‌ای است که در اذهان جهان به‌عنوان منطقه جنگ‌زده شناخته شده و کشورهای منطقه تلاش می‌کنند که این برندینگ اصلاح شود. از عراق تا کشورهای حاشیه خلیج فارس تأکید دارند که ما ما جنگ‌زده نیستیم اگر مجدد جنگ تازه‌ای شروع شود این برند خدشه‌دار می‌شود و تمام هزیننه‌هایی که برای پاک کردن این برند انجام دادند، از دست خواهد رفت.

مسئله دیگر تخلیه پایگاه آمریکا است. در این موقعیت تخلیه پایگاه‌ها عین‌الاسد چه معنایی دارد؟

مسئله تخلیه پایگاه‌های آمریکایی سال‌های زیادی است که مطرح است و بازه‌های زمانی نیز برای آن مشخص شده بود. یکی از زمان‌های تعیین شده، سال ۲۰۲۶